

## موضوعیت نداشتن اجناس ششگانه دیات

خیراله تیموری\*

چکیده: ریشه بسیاری از معضلات عملی و اجرایی کشور ما، بویژه در خصوص مسائل حقوقی، به نارساییهای نظری برمی گردد. در واقع، نوع تلقی ما از مفاهیم و نهادهای سنتی، مایه اساسی این نوع مشکلات بوده است. از جمله این مسائل، «موضوعیت دادن به اجناس دیات» است که بر اساس آمار و ارقام موجود، بسیار مشکل آفرین بوده است و به هنگام اجرای احکام دیات، باعث ایجاد مشکلات عدیده و چه بسا لاینحل شده است. در این مقاله با تکیه به اقوال فقهای بزرگ و تجزیه و تحلیل نظریات آنان، صحت و سقم این طرز تلقی از اجناس دیات مورد مذاقه قرار می گیرد. نتیجه نهایی که در این مقاله مطرح می شود موضوعیت نداشتن اجناس ششگانه دیات است.

### درآمد

نصوص مربوط به دیه در قرآن بسیار اندک و مجمل است. از این رو سنت در بنیادگذاری قواعد دیه نقش اساسی ایفا می کند. حالات وجوب دیه، شروط تحقق آن، مقادیر و نحوه محاسبه و دیگر مسائل ضروری آن، همگی به تفصیل در سنت مورد توجه واقع شده است.

موضوعی که در این مقال بدان خواهیم پرداخت «اجناس ششگانه دیات» است که در اغلب کتب فقهی و روایی به آن اشاره شده و به دقت در مورد انواع دیه و میزان آنها بحث شده است. قانونگذار ما نیز در ماده ۲۹۷ ق.م.ا به این مطلب تأکید کرده است. ماده مزبور در بیان مقدار و نوع دیه قتل نفس چنین مقرر می‌دارد:

دیه قتل مرد مسلمان یکی از امور ششگانه ذیل است و قاتل در انتخاب هر یک از آنها مخیر می‌باشد و تلفیق آنها جایز نیست:

- ۱- یک صد شتر سالم و بدون عیب که خیلی لاغر نباشند.
  - ۲- دویست گاو سالم و بدون عیب که خیلی لاغر نباشند.
  - ۳- یک هزار گوسفند سالم و بدون عیب که خیلی لاغر نباشند.
  - ۴- دویست دست لباس سالم از حله‌های یمن.
  - ۵- یک هزار دینار مسکوک سالم و غیر مغشوش که هر دینار یک مثقال شرعی طلا به وزن ۱۸ نخود است.
  - ۶- ده هزار درهم مسکوک سالم و غیر مغشوش که هر درهم به وزن ۱۲/۶ نخود نقره می‌باشد.
- تبصره: قیمت هر یک از امور ششگانه در صورت تراخی طرفین و یا تعدّر همه آنها پرداخت می‌شود.

در مورد مفاد این ماده بحثهای گسترده و متنوعی صورت گرفته است. مثلاً در مورد اینکه آیا این امور ششگانه اصل هستند یا نه؟ اگر همه آنها اصل نیستند آیا یکی از آنها اصل است و بقیه بر پایه آن تعیین شده‌اند؟ آیا عین انواع ششگانه موضوعیت دارد یا قیمت اجناس مذکور مدّ نظر شارع مقدس است؟ آیا جانی در انتخاب هر کدام از آنها مخیر است یا خیر؟ آیا اصولاً، در حال حاضر، تخییر عقلایی است یا نه؟ اینها از جمله مباحثی است که در کتب و مقالات فقهی در مورد آنها بحث شده است. در میان همه این مباحث نکته‌ای که بسیار تعجب‌آور به نظر می‌رسد این است که چرا از طرح برخی از سؤالات اساسی در این بحث غفلت شده است. سؤالاتی نظیر اینکه اصولاً میزان و نوع دیه بر چه پایه‌ای استوار است؟ چرا قبل از اسلام عقلای قوم عرب جهت پرداخت دیه صد شتر تعیین کردند؟ اصلاً چرا شتر دیه قرار داده شده و چرا صد شتر ملاک قرار گرفته است؟ در حالی که اگر پاسخ در خوری به این سؤالات داده نشود و ملاک و میزان دیه

منتفع نشود، بحثهای دیگر در این مورد از اعتبار علمی چندانی برخوردار نخواهد بود.

به نظر می‌رسد اغلب، میزان و نوع دیه را تعبدی فرض کرده‌اند. به این معنا که شارع مقدس در تعیین مقدار دیه (صد شتر و یا بقیه اجناس دیات) حکمتی را در نظر داشته است، اما چون ما قادر به فهم آن نیستیم یا مطمئن نیستیم که آیا مقصود حقیقی شارع را دریافته‌ایم یا نه، بنابراین باید بی‌دغدغه از این حکم تبعیت کنیم.

در ادامه، به بررسی صحت و سقم این اعتقاد خواهیم پرداخت، لکن در این مجال به اجمال نکاتی را یادآور می‌شویم:

مسلم است که دیه حکمی امضایی است، نه تأسیسی (البته جرح و تعدیلی در مورد آن صورت گرفته است). به تصریح بسیاری از روایات میزان و نوع دیه قتل نفس قبلاً در میان مردم حجاز مشخص شده بود؛ یعنی آنها به صد شتر توافق کرده بودند، اگر چه این میزان همیشه و برای همه نبوده و میزان دیه به شخصیت و شهرت و قبیله افراد نیز بستگی داشته است، اما در هر صورت شارع مقدس میزان دیه را همان میزان قبل از بعثت برگزید حال باید در پی پاسخ این پرسش بود که برآستی چرا اعراب، قبل از اسلام، صد شتر را به عنوان دیه تعیین کردند؟ آیا آنها از چنان درکی برخوردار بودند که توانستند انتخابی کنند که قرن‌ها بعد، بقیه انسان‌ها حتی قادر به درک علت و حکمت آن نباشند؟ اصولاً به چه دلیل تنها نوع و میزان دیه امر تعبدی تلقی می‌شود؛ ولی در سایر موارد آن می‌توان تشکیک کرد و بحثهای مختلف و متنوعی مطرح نمود به طوری که حتی نظریات ضد و نقیض ارائه داد؟<sup>۱</sup> آیا با تعبدی فرض کردن دیه می‌توان آن را در دنیای امروزی پیاده نمود؟

نگاهی به آمار و ارقام و مشکلات موجود در اجرای احکام دیات، کافی است که ضرورت تحقیق و تفحص بیشتر در خصوص این ابعاد دیه درک شود.<sup>۲</sup>

حضرت آیت الله مکارم شیرازی در دروس خارج فقه دیات می‌فرمایند:

در آن چیزی که تأسیسی نیست و امضایی است و در بین عقلا بوده،

تعبد خشک خیلی بعید است.<sup>۳</sup>

باری در پی این سؤالات ما در صدد ارزیابی و تحلیل نظریاتی هستیم که بزرگان علم و فقهامت در خصوص اجناس دیات تا به امروز اظهار داشته‌اند. به امید اینکه افق جدیدی برای حل کلی معضلات جدی و مهم دستگاه قضایی کشور گشوده باشیم.

## دیه در قرآن

مشروعیت دیه در مرتبه نخست متکی به قرآن است. قرآن کریم، در این مورد فقط یک قاعده کلی در آیه ۹۲ سوره نساء قانونگذاری کرده است:

وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ أَنْ يَقْتُلَ مُؤْمِنًا إِلَّا خَطَاءً وَمَنْ قَتَلَ مُؤْمِنًا خَطَاءً فَتَخْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ وَدِيَةٌ مُسَلَّمَةٌ إِلَى أَهْلِهِ إِلَّا أَنْ يَصَّدَّقُوا فَإِنْ كَانَ مِنْ قَوْمٍ عَدُوٍّ لَكُمْ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَتَخْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ وَإِنْ كَانَ مِنْ قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ مِيثَاقٌ فَدِيَةٌ مُسَلَّمَةٌ إِلَى أَهْلِهِ وَتَخْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامٌ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ تَوْبَةً مِنَ اللَّهِ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا.

هیچ مؤمنی حق ندارد مؤمنی دیگر را بکشد، مگر به خطا، حال اگر کسی مؤمنی را به خطا به قتل برساند باید (در کفاره آن) یک برده مؤمن را آزاد کند و خون بهایی هم به کسان او تسلیم نماید، مگر آنکه خونخواهان آن را ببخشند، و اگر ورثه مقتول مؤمن از مردمی باشد که بین شما و آنان عداوت و جنگ است همان آزاد کردن برده مؤمن کافی است و اگر مقتول از قومی باشد که بین شما و آنان پیمانی برقرار هست باید برده‌ای مؤمن آزاد و خون بهایی به کسان او تسلیم نمایند و کسی که نمی‌تواند برده‌ای آزاد کند به جای آن دو ماه پی در پی روزه بگیرد، این بخشایشی از ناحیه خداست که خدا همواره دانای فرزانه بوده است.

به طوری که ملاحظه می‌شود، قرآن به تفصیلات دیه نپرداخته است. در این هیچ تردیدی نیست که «نوع بیان» قرآن خالی از حکمت نیست و صد البته قصد و غرضی در آن دنبال می‌شود. در قرآن همه چیز، حتی تقدم و تأخر کلمات بسیار پرمعنی است.<sup>۴</sup> پس مسلماً اینکه قرآن کریم در مورد دیه به یک حکم کلی بسنده کرده است شایان تأمل و تفکر است، بویژه که ما مواردی در قرآن داریم که جزئیات حکم را نیز مشخص کرده است.<sup>۵</sup> به عنوان مثال در آیه ۲ سوره نور آمده است:

الرَّائِيَةُ وَالزَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا مِائَةَ جَلْدَةٍ.

باید شما مؤمنان هر یک از مردان و زنان زناکار را به صد تازیانه مجازات کنید.

حتی در ادامه آیه از نحوه اجرای حکم نیز سخن به میان می‌آورد:

وَلَا تَأْخُذْكُمْ بِهِمَا رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ.

هرگز درباره آنان در دین خدا رأفت و ترحم روا مدارید اگر به خدا و روز قیامت ایمان دارید.

و در آیه ۴ سوره نور نیز آمده است:

وَالَّذِينَ يُزِمُّونَ الْمُحْصَنَاتِ ثُمَّ يَأْتُوا بَارِئَةً شَهِدَاءَ فَاجْلِدُوهُمْ ثَمَانِينَ جَلْدَةً.

و آنان که به زنان عقیف مؤمنه نسبت زنا می‌دهند، آنگاه چهار شاهد (عادل) بر دعوی خود نیاورند، آنان را به هشتاد تازیانه کیفر دهید.

افزون بر آنچه گذشت از محتوای آیه مبارکه چنین برمی‌آید که خداوند متعال، مقادیر دیه و نحوه محاسبه آن را به عهده عرف قرار داده است. از سیاق آیه کاملاً روشن است که دیه از قبل بین مردم رایج بوده است و به همین خاطر وقتی می‌فرماید در چنین شرایطی دیه بدهید برای همه معلوم بود که دیه چیست. اگر غیر از این بود می‌بایست مرتب مردم از پیامبر (ص) سؤال می‌کردند که دیه یعنی چه و نوع و میزان آن چقدر است؟ در شأن نزول آیه مزبور که در تفاسیر متعدد آمده است، مشاهده نمی‌شود که از پیامبر (ص) در مورد مقادیر و نحوه محاسبه و اخذ آن سؤال شده باشد. از ظاهر روایات نیز چنین برمی‌آید که تا حدودی میزان و نوع دیه بر اساس عرف مشخص می‌شده است.<sup>۶</sup>

شیخ صدوق در کتاب خصال و شیخ حرّ عاملی در وسائل الشیعه نقل کرده‌اند:

از حضرت علی (ع)، که حضرت رسول (ص) در وصیتی به او فرمود:

ای علی، عبدالمطلب در دوره جاهلیت پنج سنت تأسیس نمود که خداوند آنها را در اسلام جاری ساخت... و در مورد قتل، یک صد شتر را دیه قرار داد و خداوند آن را در اسلام جاری ساخت.<sup>۷</sup>

نحوه به کارگیری واژه دیه در آیه مربوط به آن نیز توجه عده‌ای از پژوهشگران را به خود جلب کرده است و آن اینکه، کلمه دیه به صورت نکره به کار رفته است و این مسأله حاکی از آن است که از منظر قرآن، مقدار مشخصی برای دیه وجود ندارد.<sup>۸</sup>

## دیه در سنت

پیشتر نیز تأکید شد که سنت نقش اساسی را در بنیادگذاری قواعد دیه ایفا می‌کند و تمامی شرایط آن را به تفصیل بیان می‌دارد؛ از این رو، برای درک شایسته موضوع دیه شاید بهتر باشد که تمامی روایات که در خصوص موضوع دیه وارد شده است به صورت طبقه‌بندی شده و نظام‌مند مورد بحث واقع شود، اما نگارنده قصد دارد با تکیه بر اقوال و دیدگاه‌های متقن و مشهور فقهای بزرگ اسلام، به تجزیه و تحلیل موضوع بپردازد.

از جمله مباحث جدی در مورد دیه، مربوط به کم و کیف انواع ششگانه دیه است. قبل از ورود به بحث اصلی ابتدا باید این نکته مشخص شود که در پرداخت دیه آیا یکی از اجناس ششگانه دیه اصالت دارد و بقیه به اعتبار آن تعیین می‌شوند یا همه این اجناس در عرض هم از اصالت برخوردارند؟

گفتنی است که فقهای شیعه همگی به استناد روایاتی که از ائمه معصومین (ع)، نقل شده است بر جواز پرداخت دیه از اجناس ششگانه (شتر، گاو، گوسفند، حله، دینار و درهم) اتفاق نظر دارند و حتی در کلمات تنی چند از فقهای بزرگ شیعه بر این موضوع ادعای اجماع شده است، چنانکه شیخ طوسی می‌گوید:

و قد قلنا ان عندنا ستة اصول، كل واحد اصل في نفسه<sup>۹</sup>

ابن زهره در غنیة النزوع،<sup>۱۰</sup> عاملی در مفتاح الکرامه،<sup>۱۱</sup> شیخ محمد حسن نجفی در جواهر الکلام<sup>۱۲</sup> با عباراتی شبیه جمله شیخ طوسی بر این نکته تأکید کرده‌اند.

در مورد اینکه، آیا یکی از اینها اصل محسوب می‌شود یا خیر، باید گفت: فقهای شیعه بالاتفاق بر اصالت تک تک آنها اعتقاد دارند. در مفتاح الکرامه پس از نقل این کلام علامه حلی که «هر یک از اجناس دیه به خودی خود اصل محسوب می‌شوند و چنین نیست که یکی بدل از دیگری و یا پرداخت یکی مشروط به نبود دیگری باشد»، اضافه می‌کند که:

در این موضوع هیچ اختلافی در بین فقهای شیعه وجود ندارد.<sup>۱۳</sup>

اما با توجه به نظریات ابرازی فقهای اهل سنت می‌توان گفت:

قول مشهوری که در مورد اجناس دیه در بین ایشان وجود دارد این است که در پرداخت دیه، شتر اصل محسوب می‌شود و پیشوایان چهارگانه مذاهب اهل سنت نیز همگی بر این نکته اتفاق نظر دارند.<sup>۱۴</sup>

البته اقوال نادر دیگری نیز در کتب فقهی به چشم می‌خورد که مجال طرح همه آنها را نداریم. با عنایت به آنچه گذشت می‌توان گفت که فقهای بزرگ اسلام در خصوص این مسأله به دو گروه عمده تقسیم می‌شوند:

گروه اول) گروهی از فقها بر این باور هستند که از میان انواع ششگانه دیه، شتر اصل بوده و بقیه اجناس بر پایه آن استوار است.

گروه دوم) گروهی دیگر از فقها بر اصالت تک تک انواع دیه تأکید دارند و آنها را در عرض هم تلقی می‌کنند.

طبیعی است هر کدام از دیدگاههای فوق به طور منطقی نتایجی را در پی دارند که قائلین دیدگاههای فوق گریزی از پذیرش آن ندارند. در ذیل به نحو اختصار به تحلیل هر دو دیدگاه می‌پردازیم.

### تحلیل دیدگاه گروه اول

گفتیم که عده‌ای شتر را از میان اجناس دیگر، اصل تلقی کرده و بقیه را بدل از آن می‌دانند. معنی روشن این عقیده چنین است که تنها در صورتی که دست یافتن به شتر مقدور نباشد، می‌توان از بقیه اجناس جهت پرداخت دیه استفاده کرد. این عده عمدتاً از فقهای اهل سنت هستند که برای اثبات دیدگاه خود به روایات متعددی استناد می‌کنند، اما باید تأکید کرد که ما الان در مقام تحقیق صحت و سقم این دیدگاه نیستیم بلکه در اینجا می‌خواهیم ببینیم این فرض چه نتایجی را به طور طبیعی به دنبال دارد.

نکته درخور توجه در این فرض این است که وقتی صحبت از «اصل» بودن یکی و تابع بودن بقیه به میان می‌آید، از باب اصل «تساوی بدل و مبدل منه» می‌بایست همه اجناس دیه با یکدیگر مساوی باشند. در نتیجه با کمی تأمل، کاملاً روشن می‌شود که سنجش تساوی آنها با یکدیگر بدون ارزیابی «مآلیت» شتر میسر نیست، بنابراین، این گروه در واقع «قیمت» شتر را ملاک قرار داده و بدین ترتیب معادل آن را از سایر اجناس به عنوان «بدل» تقویم می‌کنند. از توضیحات فوق نتایج ذیل حاصل می‌شود.

۱- با فرض اینکه مبنا در دیه «قیمت» صد شتر است، بدیهی است با پرداخت معادل «قیمت» صد شتر، غرض شارع حاصل می‌شود. بنابراین «تعداد» در بقیه اجناس موضوعیت نخواهند

داشت. صاحب جواهر، در نقد دیدگاه ابن بزّاج که به نوعی در بین اجناس دیه معتقد به برقراری تساوی قیمت بوده می‌گوید:

چه بسا اگر ما تنها قیمت اجناس دیه را معتبر بدانیم دیگر نزاعی در «تعداد» این اجناس نخواهد بود.<sup>۱۵</sup>

البته صاحب جواهر بلافاصله به «عدم اعتبار» موضوعیت قیمت در دیه تأکید می‌کنند ولی غرض از آوردن عبارت ایشان، این بود که اگر مبنا را در دیه «قیمت» بدانیم دیگر تعداد در سایر اجناس موضوعیت نخواهد داشت.

آیت الله مکارم شیرازی نیز در بحث خارج فقه دیات بر حصول چنین نتیجه‌ای اشاره کرده است.<sup>۱۶</sup>

۲- وقتی مقدار دیه قیمت صد شتر باشد محصور کردن بدل آن در اجناس مذکور، دیگر وجهی نخواهد داشت و هر چیزی که از حیث ارزش مالی معادل قیمت صد شتر باشد می‌توان به عنوان دیه پرداخت نمود.<sup>۱۷</sup>

### تحلیل دیدگاه گروه دوم

چنانکه بیان شد، عده‌ای از فقهای بزرگ اسلام بویژه فقهای شیعه معتقد هستند که تمامی انواع ششگانه دیه دارای اصالت بوده و هیچ کدام بدل از دیگری محسوب نمی‌شوند. در فرض مذکور دو صورت متصور است که می‌بایست به شکل جداگانه مطرح کرده و هر کدام را به طور مستقل مورد نقد و بررسی قرار دهیم.

صورت اول) اصول ششگانه دیه، از جهت میزان «مالیت» الزاماً یکسان نبوده و اصولاً تعادل ارزش سوقی آنها مطمح نظر شارع نبوده است.

صورت دوم) تساوی ارزش اجناس ششگانه دیه، پیش شارع مقدس موضوعیت داشته است.

صورت اول از دو جهت قابل خدشه به نظر می‌رسد که در ذیل به طور اجمال بدان اشاره می‌شود:

الف) از ملاحظه مجموع روایات مربوطه چنین استفاده می‌شود که ائمه هدی (ع) به تساوی ارزش اجناس دیات عنایت داشتند.

در روایتی که از ابن عتبه از ابو جعفر (ع) نقل شده چنین آمده:

فلما ظهر الاسلام وكثرت الورق في الناس قسمها امير المؤمنين (ع) على الورق. ۱۸

این عبارت نشان می‌دهد که شارع، درهم و دینار را به عنوان قیمت شتر تعیین می‌کردند. صحیح‌ه عبدالله بن سنان که در آن امام صادق (ع) از امیرالمومنین (ع) نقل می‌کنند که ایشان دربارهٔ دیه قتل شبه عمد می‌فرمایند:

إن الدية مائة من الابل، وقيمة كل يعبر من الورق مائة وعشرون درهماً، او عشرة دنائير و من الفتم قيمة كل ناب من الابل عشرون شاة. ۱۹

همچنین در حدیثی از امام صادق (ع) آمده است:

كان على (ع)، يقول، الدية الف دينار و قيمة الدينار عشرة دراهم. ۲۰

به طوری که ملاحظه می‌شود در این احادیث انواع دیات کاملاً با یکدیگر به لحاظ «مالیت» سنجیده شده‌اند. روایات زیادی را می‌توان از این حیث مطالعه کرد، لکن بیشتر از این در حوصله این مقال نمی‌گنجد. برای اعتبار بیشتر این برداشت از روایات، عقیده دو نفر از صاحب‌نظران و فقهای معاصر را یادآور می‌شویم.

آیت الله مکارم شیرازی درباره این مسأله در دروس خارج فقه دیات چنین اظهار نظر کرده‌اند:

در عصر صدور این احکام و روایات، قیمت این شش اصل مستقارب بوده است ۲۱... و اصولاً لعمریه روایات نیز حاکی از این است که قیمت اصول دیه متوازن است. ۲۲

ایشان در جای دیگری نیز چنین می‌فرمایند:

به خاطر اینکه دیه خسارت مالیه است، بسیار بعید است حکیم در باب خسارات تخیر بین دو چیز قائل بشود که از نظر ارزش یکی، پنج برابر دیگری باشد. کدام حکیم این کار را می‌کند؟ ۲۳

آیت الله مرعشی نیز ضمن اینکه متفاوت بودن قیمت این اقسام را بی‌معنی و نامعقول می‌دانند، تصریح می‌کنند که در آن روزگار (زمان صدور احکام) انواع ششگانه دیات با هم برابر بودند. ۲۴

ب) در دنیای به هم پیوسته امروزی، وحدت رویه در قضاوت، از ضرورت‌های مسلم است،

لذا ناهماهنگی، نه تنها باعث تزلزل مبانی قضا در افکار عمومی می‌شود که از منظر جرم‌شناسانه نیز، به دلیل تأثیر منفی فراوانی که بر افکار عمومی دارد، قابل تأمل است. آیت الله مکارم شیرازی در ضرورت این مسأله می‌فرمایند:

سابقاً در فقه می‌گفتند که قاضی حق دارد، خودش مقدار تعزیر را تعیین کند، هر قاضی برای خودش تعیین می‌کرد، یکی ده تازیانه، دیگری پانزده تازیانه، و این نظرها مختلف بود و هیچ مشکلی هم ایجاد نمی‌شد، ولی امروزه وحدت رویه یک ضرورت است.<sup>۲۵</sup>

بر اساس آنچه گذشت نتیجه می‌گیریم که این صورت، با تحلیل موازین شرعی و منطقی حقوقی سازگاری ندارد و ما نیز در اینجا به همین مقدار قناعت کرده در ادامه به تحلیل صورت دوم این دیدگاه می‌پردازیم.

صورت دوم این بود که اقسام ششگانه دیه از حیث قیمت به طور نسبی مساوی بوده‌اند. این نظر عمده فقهای شیعه است.

چنانکه صاحب جواهر در توجیه روایاتی که در آنها مقادیر مختلف دیه با یکدیگر سنجیده شده و بعضی قیمت دیگر داشته‌اند می‌نویسد:

فهو بیان للواقع فی تلك الازمان او اشارة الى الحكمة فی شروع التقادیر  
اول مرة.<sup>۲۶</sup>

پرواضح است، آنگاه که از تساوی ارزش انواع ششگانه دیه سخن می‌گیریم در حقیقت پیشاپیش، برای هر کدام «قیمتی» تصور کرده‌ایم. برای اینکه در غیر این صورت ملاکی جهت سنجش و ارزش‌گذاری آنها نداریم. بنابراین خواه ناخواه اعتقاد به دیدگاه دوم، موضوعیت دادن به قیمت اجناس ششگانه دیات است. مخفی نماند، شاید به ذهن بیاید که از تصور قیمت بر اجناس دیه چگونه موضوعیت داشتن قیمت را استخراج می‌کنیم؟ ما پیشتر نیز این را جواب داده‌ایم باز تأکید می‌کنیم که به نظر ما آنچه مهم است این است که در ارزیابی اجناس دیه، به ارزش و مالیت آنها توجه می‌شود، و دقیقاً به همین دلیل است که

وقتی در زمان خلیفه دوم قیمت شتر بالا رفته بود، درهم و دینار جایگزین آن شد.<sup>۲۷</sup>

باری، همچنان که قبلاً نیز متعرض شده‌ایم با فرض ملاک بودن «قیمت» دیگر سخن از

موضوعیت «تعداد» سایر اجناس و نیز «محصور نمودن دیه در انواع مذکور» درخور اعتنا نیست و هرگز با منطق عقل و حتی شرع سازگاری ندارد.

در پرتو آنچه گذشت کاملاً مبرهن است که همه فقهای اسلام چه آنهایی که یکی از اجناس را اصل قلمداد کرده و بقیه را تابع آن می‌دانند و چه آنهایی که برای تک تک اجناس دیه اصالت قائل می‌شوند، خواه ناخواه به نوعی، موضوعیت را در دیه به پرداخت مقداری مال داده‌اند که معادل آن در زمان صدور احکام، قیمت صد شتر، یا دویست گاو و هزار گوسفند و غیره بود.

شایان تأکید است، ما برای اعتبار علمی نظر خود، مبنای تحلیل‌مان را نظریه‌های مشهور و معتبر فقهای عظیم‌الشان اسلام قرار دادیم و بر اساس نتایج مسلم نظریات آنها، استنباط خود را بیان کردیم. می‌دانیم دیدگاههای فقها محصول صدها سال تحقیق است و هر نکته ریز و درشت نتیجه تتبع سالیان دراز عالمانی است که از جهت علم و ایمان مورد اعتماد هستند. بنابراین وقتی این نظریه‌ها مبنای بحث واقع می‌شوند و اتفاقاً بر اساس همان نظریات «تعداد» در اجناس دیه از اعتبار خلع شده و موضوعیت «قیمت» نیز اثبات می‌شود، در حقیقت در جای خود کاری است مبتنی بر روشهای متداول علمی که تجارب گذشته را پله صعود به مراحل بعد قرار می‌دهند.

با وجود این، می‌توان از لایه لای روایات وارده نیز ادله قابل قبولی دال بر موضوعیت قیمت اجناس دیه پیدا کرد. به عنوان مثال، وقتی در روایات متعددی ملاحظه می‌شود که از خصوصیات جسمانی اجناس دیه سخن رفته است، چه نتیجه‌ای باید گرفت؟ براستی حرف از سن و لاغری و جنس شتران، چه چیزی را در اذهان تداعی می‌کند؟ آیا جز این است که این خصوصیات در ارزش و «مالیت» جنس مذکور مؤثر است؟

برغم این دلایل روشن، خالی از فایده نخواهد بود که به نظریات چند تن از بزرگان فقه نیز اشاره داشته باشیم. خداوند را شکر خواهیم گزارد اگر افرادی نیز که عمق و استحکام یک نظریه را نه در ادله آن که در شهرت قائلین آن می‌جویند ما را همراهی کنند.

موضوعیت داشتن «قیمت» و نه «عین اجناس دیه» به وضوح از سوی بعضی از فقهای معاصر مورد تأیید و تأکید قرار گرفته است.

آیت الله مکارم شیرازی در درس خارج فقه بحث دیات به کرات می‌فرمایند:

یقین داشته باشیم در عصر و زمان ما معیار دیه، اسکناس است.<sup>۲۸</sup>

آیت الله مرعشی نیز در کتاب خود آورده‌اند:

من قطع دارم اگر در آن روز اموال غیر از اینها بود آنها نیز ذکر می‌شد.<sup>۲۹</sup>

حضرت امام خمینی (س) و حضرت آیت الله خوئی (ره) در خصوص موضوعیت نداشتن عین درهم و دینار تصریح کرده‌اند.

حضرت امام خمینی (س) در این زمینه می‌نویسند:

دینار همان مسکوک شرعی است که در عصر صدور روایات رایج بوده، اما از آنجا که در آن زمان، نقد رایج همین درهم و دینار بوده و معامله با آنها در بین مردم متداول بوده است، نمی‌توان از ادله استفاده کرد که پرداخت عین «دینار» موضوعیت دارد و بدین جهت، جایز خواهد بود که قیمت آن با سایر نقود و نه با کالاهای تجارتی پرداخته شود.<sup>۳۰</sup>

حضرت آیت الله خوئی (ره) در بخشی از کتاب التتقیح می‌فرماید:

در هر مورد که لفظ درهم و دینار استعمال می‌گردد، آنچه از آنها فهمیده می‌شود فقط مالیتی معین است، بی آنکه ماده آنها در این میان خصوصیتی داشته باشد، بنابراین آنچه گفته شد، مراد از دینار تنها قیمت و ارزش مالی آن می‌باشد.<sup>۳۱</sup>

به طوری که ملاحظه می‌شود، این دو بزرگوار با دو بیان متفاوت بر جواز پرداخت معادل ارزشی دینار از سایر نقود استدلال کرده‌اند و از کلمات آنها نیز استفاده می‌شود که ذکر دینار در روایات باب دیات، موضوعیت نداشته و فقط نشانگر میزان معینی از «مالیت» بوده است.

آیت الله سید محمود هاشمی نیز در این خصوص چنین نظر داده‌اند:

... از عنوان درهم و دینار چنین درمی‌یابیم که مقصود از آن دو در زبان روایات اگر گواه دیگری بر خلاف آن نباشد، هرگونه پول در گردش است و نه پول ویژه و معینی، و در خود روایات دیده، گواهان و مناسبت‌های ویژه‌ای می‌توان درباره درهم یافت که بدان به عنوان پول در گردش نگریسته و بهای کالاها برشمرده است به گونه‌ای که هر پول در گردش دیگری می‌تواند جایگزین آن شود.<sup>۳۲</sup>

البته معلوم نیست که به چه دلیل این استدلال تنها به درهم و دینار محدود می‌شود، بویژه که اساس استدلال آنها این است که درهم و دینار پول رایج آن روزگار بوده است. می‌دانیم که اقدام

شارع در پذیرش سنت اخذ صد شتر به عنوان دیه خالی از وجه نبوده؛ زیرا در آن عصر هیچ چیز به اندازه شتر در نزد اعراب از ارزش و مالیت برخوردار نبوده است و حتی از اقوال لغویین چنین استفاده می‌شود که اعراب نه تنها بر شتر بیش از هر چیز دیگر اطلاق مال می‌کرده‌اند، بلکه در بعضی موارد «مال» را به طور مطلق در شتر و سایر حیوانات استعمال می‌کرده‌اند، چنانکه در لسان العرب می‌خوانیم «مال، لغت شناخته شده‌ای است و بر هر چیزی که قابل تملک باشد اطلاق می‌شود، جمع آن اموال است. در حدیث آمده است که از تلف کردن و ضایع نمودن مال نهی شده است» که در تعریف آن گفته شده است که مراد از مال در اینجا حیوان می‌باشد؛ یعنی با آنها باید خوشرفتاری کرد و آنها را رها ننمود.

این اثیر گفته است:

مال در اصل به آنچه از طلا و نقره به تملک درمی‌آید اطلاق می‌شود و سپس بر هر کدام از اعیان که فراهم آمده و به تملک درمی‌آید نیز این لفظ اطلاق می‌گردد و در نزد اعراب بر هیچ چیز به اندازه شتر، اطلاق مال نشده است، زیرا بیشتر دارایی آنها همین بوده است.<sup>۳۳</sup>

در تاج العروس نیز عباراتی شبیه به عبارت بالا آمده است که آن هم بر ارزش بالای شتر نزد اعراب دلالت می‌کند.<sup>۳۴</sup>

در هر صورت، ما وقتی به تاریخ عرب قبل از اسلام مراجعه می‌کنیم، می‌بینیم که شتر یکی از اموال بسیار با ارزش در جزیره عربستان بوده تا آنجا که

حتی به شتر، قسم هم می‌خوردند و وقتی می‌پرسیدند فلانی چقدر مال دارد، منظور این بود که چند تا شتر دارد.<sup>۳۵</sup>

تا اینجا از مجموع مباحث چنین استفاده می‌شود که دیه چیزی بیش از مقداری مال که می‌بایست در مقابل نفس یا عضو تلف شده پرداخت شود نمی‌باشد. در واقع، آنچه موضوعیت دارد ادای مال مقرر است نه پرداخت جنسی خاص. بنابراین کافی است که ما دریابیم که چه میزان مال از طرف شارع به عنوان دیه تعیین شده است تا بتوان در هر زمان با توجه به آنچه در بین مردم از رواج بیشتری برخوردار است برای پرداخت دیه استفاده کرد. البته وقتی بنا بر این است که در دیه آنچه موضوعیت دارد «پرداخت مقداری مال» باشد، دیگر اجناس را مبنای آن مالیت قرار دادن صحیح نیست. هیچ رابطه منطقی دو سویه بین اجناس دیه و مالیت مورد نظر

شارع مقدس وجود ندارد. حداکثر چیزی که می‌توان استنباط کرد این است که آن مقدار مال مورد نظر شارع در زمان صدور احکام برابر با قیمت صد شتر و یا قیمت بقیه اجناس معین بود به دیگر سخن، اجناس، تابع مالیت مورد نظر شارع بود و نه الزاماً برعکس. اینکه خلیفه دوم به خاطر گرانی بیش از حد شتر، مقادیر معینی از درهم و دینار را به عنوان دیه تعیین کرد، حکایت از همین امر دارد. این کار عمر شاهی است برای ارتكازی بودن اینکه شتر بعینه منظور نیست بلکه مالیت برابر آن منظور است هر چند ممکن است گفته شود که فعل خلیفه دوم خالی از حجیت و اعتبار است.

در پرتو آنچه گذشت به وضوح اهمیت فوق‌العاده این سؤال که «مبنا و ملاک تعیین میزان دیه چیست؟» معلوم می‌شود.

### یادداشتها:

- (۱) در کتابهای فقهی در مورد دیه فراوان صحبت شده است و اختلاف نظرهای قابل ملاحظه‌ای در این خصوص وجود دارد.
- (۲) بر اساس یک آمار چهار درصد از پرونده‌های وارده به اجرای احکام را، پرونده‌های دیات تشکیل می‌دهند. مرکز تحقیقات و پژوهشهای قوه قضاییه، بررسی وضعیت اجرای احکام دیات و حلّ اطاله آن، ص ۲۰.
- (۳) ناصر مکارم شیرازی، *تقریرات دروس خارج فقه*، بحث دیات، جزوه شماره ۹، چاپ انتشارات فیضیه، جزو ۱۲.
- (۴) در اکثر تفاسیر این مسأله به وضوح روشن است. در خصوص خود آیه دیه در مورد قسمت اخیر آیه، مقدم شمردن پرداخت دیه بر تحریر رقبه مورد توجه مفسرین قرار گرفته است.
- (۵) جالب توجه است که تعیین جزئیات احکام در جایی است که اساساً قضیه مجازات در کار است.
- (۶) ناصر مکارم شیرازی، همان، ص ۵ و نیز رجوع کنید به: ابراهیم شفیع سروستانی و دیگران، *قانون دیات و مقتضیات زمان*، معاونت اندیشه اسلامی مرکز تحقیقات استراتژیک ریاست جمهوری، ص ۲۶۷.
- (۷) رجوع کنید به:
- # شیخ صدوق، *کتاب الخصال*، جلد ۱، ص ۳۱۲ - ۳۱۳.
- # شیخ حر عاملی، *وسائل الشیعه*، جلد ۱۹، ص ۱۴۵.
- (۸) عوض احمد ادریس، *دیه*، ترجمه علیرضا فیض، ص ۲۵ و ۳۴۰ و نیز رجوع کنید به: زراعت، عباس، *شرح قانون مجازات اسلامی*، جلد ۱، بخش دیات، ص ۸.
- (۹) شیخ طوسی، *المبسوط فی فقه الامامیه*، جلد ۷، ص ۱۱۹.
- (۱۰) حمزه بن علی بن زهر، *غنیة النزوع*، سلسله الینابیع الفقهیه، جلد ۲۴، ص ۲۴۹.
- (۱۱) سید محمد جواد عاملی، *مفتاح الکرامه*، جلد ۱۰، ص ۳۵۷.

- (۱۱) سید محمد جواد عاملی، مفتاح الکرامه، جلد ۱۰، ص ۳۵۷.
- (۱۲) شیخ محمد حسن نجفی، جواهر الکلام، جلد ۴۳، ص ۱۵.
- (۱۳) محمد جواد عاملی، مفتاح الکرامه، جلد ۱۰، ص ۳۵۷ و نیز رجوع کنید به:
  - شیخ طوسی، المبسوط، جلد ۷، ص ۱۱۸.
  - محقق حلی، شرائع الاسلام، جلد ۴، ص ۲۴۶ - ۲۴۵.
- (۱۴) ابراهیم شفیع سروسستانی و دیگران، همان، ص ۷۵.
- (۱۵) جواهر الکلام، جلد ۴۳، ص ۱۶: «بل ان كانت الضابطه اعتبار القيمة فلامشاحة في العدد مع حفظ قدر القيمة...».
- (۱۶) ناصر مکارم شیرازی، همان.
- (۱۷) همان، ص ۱۳.
- (۱۸) من لایحضره الفقیه، باب ۳۱، حدیث ۵ و نیز رجوع کنید به: وسائل الشیعه، جلد ۱۹، ص ۱۴۸.
- (۱۹) وسائل الشیعه، جلد ۱۹، حدیث ۱۲، ص ۱۴۴.
- (۲۰) همان، حدیث ۱، ص ۱۴۲.
- (۲۱) ناصر مکارم شیرازی، همان، جزوه شماره ۹، ص ۱۶ - ۱۷.
- (۲۲) همان، ص ۲۱.
- (۲۳) همان، ص ۱۱ - ۱۲.
- (۲۴) سید محمد حسن مرعشی، دیدگاههای نو در حقوق کیفری اسلام، ص ۱۸۵ و ۱۸۹ و ۲۰۲.
- (۲۵) ناصر مکارم شیرازی، فصلنامه نقد و نظر، شماره پنجم، ص ۱۴.
- (۲۶) جواهر الکلام، جلد ۴۳، ص ۱.
- (۲۷) سید محمد حسن مرعشی، همان، ص ۲۰۰ و ۲۰۲ و نیز رجوع کنید به: آیت الله مکارم شیرازی، همان، جزوه شماره ۹، ص ۱۴.
- (۲۸) ناصر مکارم شیرازی، تقریرات دروس خارج فقه، بحث دیات، جزوه شماره ۹، ص ۱۹.
- (۲۹) محمد حسن مرعشی، همان، ص ۲۰۰ و ۲۰۲.
- (۳۰) امام خمینی، کتاب الطهارة، قم: اسماعیلیان، بی نا، جلد ۱، ص ۱۳۹، به نقل از: ابراهیم شفیع سروسستانی، نقش زمان و مکان در تعیین دیه، «مجموعه آثار کنگره بررسی مبانی فقهی امام خمینی» شماره ۱۲، ص ۲۱۸ - ۲۱۷.
- (۳۱) میرزا علی التبریزی النوری، التفتیح فی شرح العروة الوثقی (تقریر دروس فقه آیت الله العظمی خویی) قم: الهادی و لطفی، جلد ۶، ۱۴۱۰ ق، ص ۴۷۸ به نقل از ابراهیم شفیع سروسستانی، همان، ص ۲۱۷.
- (۳۲) سید محمود هاشمی، مجله فقه اهل بیت (ع)، شماره ۴، ص ۴۴.
- (۳۳) محمد بن مکرم ابن منظور، لسان العرب، بیروت: بی نا، چاپ اول، جلد ۱۱، ۱۴۰۸ ق، ص ۶۳۵.
- (۳۴) سید محمد مرتضی الزبیدی، تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت: دار مکتبه الحیاء، جلد ۸، بی نا، ص ۱۲۱.
- (۳۵) سید محمد حسن مرعشی، همان، ص ۲۰۲ - ۲۰۱.